

اسرائیل در آسیای مرکزی

نویسنده: سیاوش اخوان مفرد^۱

چکیده

کشورهای آسیای مرکزی بعد از استقلال به جهت نیاز به سرمایه و تکنولوژی و جلب کمکهای اقتصادی در برقراری روابط دیپلماتیک با اسرائیل بسیار سریع عمل کردند. بدین ترتیب بهترین فرصت برای اسرائیل فراهم شد تا با حضور در آسیای مرکزی بازارهای بکر آن را فتح کرده و خود را به کنار مرزهای جمهوری اسلامی ایران برساند. در مجموع اهداف و اقدامات اسرائیل در منطقه در کوتاه مدت با موفقیت نسبی همراه بوده است. روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اسرائیل با دولتهای آسیای مرکزی موجب گردید تا زمینه‌های حضور بلندمدت رژیم صهیونیستی در این منطقه فراهم گردد. اهداف اقتصادی، سیاسی - امنیتی و فرهنگی اسرائیل در آسیای مرکزی در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

اگرچه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از یک طرف تهدیدهای امنیتی در مرزهای شمالی ایران را از بین برد، اما از طرف دیگر، تأثیرپذیری کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی به دلیل اقتصاد بیمار، و عطش فرهنگی و سرگشتگی سیاسی^(۱)، برای دشمنان جمهوری اسلامی ایران، بخصوص رژیم اشغالگر قدس میدان عمل مناسبی را در منطقه فراهم کردند.

۱- آقای سیاوش اخوان مفرد کارشناس ارشد اطلاعات استراتژیک می‌باشند.

۱- م. ی. صفت... قاسمی، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، (تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۵).

رهبران کشورهای آسیای مرکزی به منظور جلب کمکهای اقتصادی بیشتر، با تلقی اسرائیل به عنوان دروازه ورود غرب، در برقراری روابط دیپلماتیک با اسرائیل بسیار سریع عمل کرده‌اند. در راستای این گرایش به برقراری روابط با اسرائیل، دو مسئله قابل توجه است: (۱) از آنجا که مدت‌های طولانی در اتحاد جماهیر شوروی پیوند با اسرائیل به صورت یک موضوع ناگوار محسوب می‌شد، ایجاد روابط دیپلماتیک با آن کشور نشانه ورود به دوران جدید (استقلال) بوده است؛ (۲) به رهبران کشورهای تازه استقلال یافته انگونه تفهیم شده بود که برقراری روابط نزدیک با اسرائیل برای واشنگتن بسیار خوشایند است و این امر موجب رضایت جامعه یهودیان غربی، بویژه ایالات متحده از رهبران کشورها خواهد شد، و این عوامل برای ایجاد روابط حسنه با غرب اهمیت فراوان دارد.^(۱)

از دیگر عوامل مهم گرایش رهبران جمهوریهای آسیای مرکزی به اسرائیل، ضعف کشورهای اسلامی در اجرای طرحهای سازنده اقتصادی، و ارائه کمک به کشورهای آسیای مرکزی می‌باشد. در این راستا بسیاری از دولتهای اسلامی با غفلت از نیازهای اولیه این کشورها، به فعالیتهای فرهنگی و مذهبی در آسیای مرکزی روی آوردند که این امر خوشایند رهبران پرورش یافته در محیط غیرمذهبی و کمونیستی شوروی سابق نبود. این راهبردها به همراه تبلیغات دلسردکننده غرب برای جلوگیری از گسترش نفوذ اسلام‌گرایی در منطقه، زمینه موفقیت قدرتهای واسطه‌ای مانند اسرائیل را فراهم کرد. وزیر خارجه قرقیزستان در پاسخ به اعتراض سفیر جمهوری اسلامی ایران به توسعه روابط این کشور با اسرائیل صریحاً گفته بود: «شما می‌دانید که کشورهای در حال توسعه نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی دارند، ما به کشورهای مسلمان روی آوردیم، ولی از این کشورها حتی یک لقمه نان برای مردم خود به دست نیاوردیم.»^(۲)

از سوی دیگر اسرائیل پس از پایان جنگ سرد، استراتژیهای جدیدی را برای سیاست خارجی خود طرحریزی کرد. این رژیم به منظور تأمین امنیت داخلی در تلاش بود که به مشکلات مرزی با کشورهای همسایه پایان دهد، و در حل دیگر مسائل

1- David Menashri, *Central Asia Meets the Middle East*, (London. Frank Cass publishers : 1998), p.9.

۲- ناصر نفی عامری، "ژئوپلیتیک ایران و منطقه در دوران پس از جنگ سرد"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره ۲، (پاییز ۱۳۷۱)، ص ۴.

خارجی بجز خاورمیانه نقش مؤثرتری را برعهده گیرد. در همین راستا استفاده از منابع زیرزمینی و آشکار منطقه، برقراری روابط اقتصادی و سیاسی با کشورهای آسیای مرکزی و دیگر کشورهای شمالی، از اهداف رژیم صهیونیستی بوده است. اسرائیل به منظور تحقق اهداف خود تمایل دارد تا از خط مشی سنتی خود فراتر رود. برنامه‌هایی که در دهه ۱۹۵۰ به منظور برقراری روابط با کشورهای ترکیه، اتیوپی و ایران از سوی دیوید بن‌گوریون طرح‌ریزی شده بود^(۱)، همزمان با تحقق انقلاب اسلامی در ایران و سرنگونی شاه نقش بر آب شد. زمانی که اسرائیل احساس کرد که باید نسبت به طراحی برنامه‌هایی در دیگر مناطق اقدام کند، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی و خلأ قدرت در منطقه مواجه شد. در همین راستا، اسرائیل بدون از دست دادن فرصت، نهایت استفاده را از آن به عمل آورده و با بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی روابط حسنه برقرار ساخت.

تمایل فراوان کشورهای آسیای مرکزی برای توسعه اقتصادی، زمینه فعالیت اسرائیل را فراهم ساخته است. اسرائیل به عنوان یک دولت فوی هم از جنبه‌های نظامی و هم از جنبه‌های اقتصادی توانست اعتماد کشورهای آسیای مرکزی را به خود جلب کند. علاوه بر این، در حالی که اسرائیل جنگ و اختلاف خود را با کشورهای منطقه، از اختلافات دینی به اختلافات سیاسی و جغرافیایی تغییر می‌داد، موفق شد جهت عکس‌العمل‌های آتی به سوی خود را را منحرف سازد. برقراری روابط حسنه میان اسرائیل و کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان مؤید این مطلب است. در کنار آن، با معرفی ایران به عنوان کانون بنیادگرایی اسلامی، رهبران کشورهای منطقه را عملاً از نزدیکی به جمهوری اسلامی ایران دور نگه داشته است.^(۲)

اهداف و اقدامات اسرائیل در آسیای مرکزی در دوا بخش اقتصادی و سیاسی - امنیتی قابل بررسی اند. شایان ذکر است، در خصوص رژیم‌هایی مانند اسرائیل که اولویت‌های امنیتی در اتخاذ سیاست خارجی آنها نقش عمده‌ای دارد، برقراری روابط تجاری و اقتصادی با دیگر کشورها پیش از آنکه تنها منافع اقتصادی را هدف داشته باشد، به

۱- م. ک. : محمد رضا ملکی، "ترفندهای اسرائیل برای نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز"، جامعه، ۲۳

اردیبهشت ۱۳۷۷، شماره ۶۴، ص ۱۱.

2- Gaztec, Istanbul, 22 June 1998.

عنوان بستری برای دستیابی به اهداف سیاسی - امنیتی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اهداف و اقدامات اقتصادی اسرائیل در آسیای مرکزی

بر اساس یک آمار رسمی، در سال ۱۹۸۸ میزان صادرات اسرائیل به آسیای مرکزی بالغ بر ۵۱ میلیون دلار بوده است.^(۱) دولت اسرائیل سرمایه‌گذاران یهودی را با پشتیبانی سیاسی و تأمین سرمایه اولیه برای راه‌اندازی طرح‌های اقتصادی، حمایت می‌کند. تاکنون بیش از ۲۵ سرمایه‌گذاری مشترک با کشورهای آسیای مرکزی مورد توافق قرار گرفته است. بیشتر این طرح‌ها در زمینه کشاورزی و کشت و صنعت، ماشین‌آلات، متالورژی، ارتباطات، ساخت تجهیزات پزشکی و ایجاد سیستم‌های امنیتی بوده است.^(۲) در سال ۱۹۹۲، اسرائیل تعداد زیادی از سرمایه‌گذاران خود را به تاجیکستان فرستاد. یک هیئت اسرائیلی ضمن دیدار از تاجیکستان، قرارداد استفاده از منابع نفت در قبال استفاده تاجیکستان از سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل با این کشور را منعقد ساخت.^(۳) اسرائیل همچنین یک سیستم آبیاری و طرحی در زمینه کشت پنبه در تاجیکستان را به اجرا در آورده است.^(۴)

در سال ۱۹۹۲، تل‌آویو قرارداد توسعه سرویس‌های اطلاعاتی ازبکستان را در قبال استفاده از مناطق و بخش‌های کشاورزی این کشور منعقد کرد، و در حال حاضر ۴ شرکت بزرگ اسرائیلی به صورت مشارکتی در ازبکستان فعالیت دارند.^(۵) از موفقترین طرح‌های اسرائیل، طرح "شاول آیزنبرگ" (آبیاری قطره‌ای) بوده، که در نتیجه آن ازبکستان توانست تولید پنبه خود را تا ۴۰ درصد افزایش دهد. مجله صادرات اسرائیل، که توسط مؤسسه صادرات این کشور و برای استفاده بازرگانان کشورهای مشترک‌المنافع در تل‌آویو چاپ می‌شود، در جولای سال ۱۹۸۸، به مناسبت سفر رسمی "ناتان شارانسکی" **، وزیر صنایع و تجارت اسرائیل به ازبکستان، در مقاله‌ای با عنوان

1- Oxford Analytica Daily Brief, "Israel : Central Asia Strategy", (IPIS, DEC 11 : 1998), p.1.

2- *Ibid.*

3- Gaztee, *Op.Cit.*

4- Robert O. Freedman, "Israel and Central Asia : A Preliminary Analysis". *Central Asia Monitor*, No.2, 1993, p.23.

5- Gaztee, *Op.Cit.*

* Shavl Eisenberg.

** Natan Sheransky.

"صادرات اسرائیل به ازبکستان" نوشت: «مؤسسه صادرات و شرکت دولتی ریسک* در تجارت بین‌المللی معتقدند که ازبکستان در آینده به بزرگترین نقطه جذب کالا و خدمات اسرائیلی در خواهد آمد و صادرکنندگان اسرائیلی، این کشور آسیای مرکزی را هدف نخست خود قرار داده‌اند.» بر اساس این گزارش، صادرات اسرائیل به ازبکستان در ۸ ماهه اول سال ۱۹۸۸ دربرگیرنده: ۱۰/۳ میلیون دلار صنایع شیمیایی و سلولزی، ۴/۷ میلیون دلار ماشین آلات صنعتی، ۳/۵ میلیون دلار مواد غذایی، و ۲/۱ میلیون دلار محصولات پتروشیمی بوده است. میزان مبادلات کالا بین دو کشور در سال ۱۹۹۷، ۱۸/۹ میلیون دلار اعلام شد که ۱۸/۳ میلیون دلار آن، صادرات اسرائیل به ازبکستان بوده است.^(۱)

اسرائیل به منظور عقد قرارداد در طرحهای گوناگون هیئتی از بازرگانان خود را در سال ۱۹۹۲ به ترکمنستان فرستاد. اولین طرح منعقد شده میان دو کشور ۱۵ میلیون دلار ارزش داشت.^(۲) شرکت اسرائیلی "مرهاو" یکی از شرکتهای فعال در ترکمنستان است که در تجهیز و توسعه "پالایشگاه ترکمن باشی" فعالیت دارد. این شرکت به میزان ۵۰۰ میلیون دلار در این پالایشگاه سرمایه‌گذاری کرده است.^(۳)

اسرائیل همچنین در یک طرح ۱۰۰ میلیون دلاری آبیاری، و طرح احداث خط لوله گاز از ترکمنستان به ترکیه مشارکت دارد. مدیران شرکت "مرهاو" معتقدند که می‌توان این خط لوله را تا اسرائیل ادامه داد.^(۴)

قرقیزستان در بخشهای چاپ و نشر مطبوعات، و توسعه بخشهای فن آوری پیشرفته، قراردادهایی را با اسرائیل به امضا رسانده است.^(۵) همچنین در دیدار اصغر آقایف از

* Risk.

۱- گزارش سفارت جمهوری اسلامی ایران در تاشکند، اسناد وزارت امور خارجه، اداره جامعه کشورهای مشترک‌المنافع. (آبان ۱۳۷۷).

2- Andrei Nedvetsky, "Israel's Policy The Post-Soviet Moslems Republics", *Middle East Monitor*, (London : Sep. 1993), Vol.2, No.2, p.30.

** Merhav.

۳- م. ک: "روسیه، یهود، آسیای میانه و قفقاز، اسرائیل". بولتن دفتر تحقیقات اسلامی، وزارت امور خارجه، شماره ۷.

4- C. F: Bulent Aras, Post Cold War Realities : "Israel's Strategy in Azerbaijan and Central Asia", *Middle East Policy*, Vol.5, No.4, January, 1998), p.75.

5- Gaztee. *Op.Cit.*

فلسطين اشغالی در سال ۱۹۹۳، توافقنامه‌هایی در زمینه‌های کشاورزی، بازرگانی و صنعت برق با اسرائیل به امضا رسید. او در مصاحبه‌ای با روزنامه "جروزالم پست"، دلایل خود را برای دیدار از اسرائیل، مبادله فن‌آوری اسرائیل با مواد خام کشورش، و ایجاد صنعت پیشرفته ذکر کرد.^(۱)

در میان کشورهای بزرگ آسیای مرکزی، قزاقستان بیش از دیگران مورد توجه اسرائیل بوده است. شرکتهای بزرگ اسرائیلی مانند بتاشیتیا^{*}، نتاخیم^{**} و مرهاو، که عمده فعالینهایشان در زمینه کشاورزی پیشرفته است، از سال ۱۹۹۲ در چهار طرح با هدف تولید پنبه، گوجه فرنگی، و پرورش دام در قزاقستان فعال بوده‌اند.^(۳) اسرائیل همچنین شبکه‌های مخابراتی ماهواره‌ای، فاکس و تلفن قزاقستان را توسعه بخشیده است.^(۳) در سال ۱۹۹۲، وزیر ارتباطات وقت اسرائیل به منظور توسعه همکاری در امور مخابراتی، دیدار رسمی سه روزه‌ای را از قزاقستان به عمل آورد. در مقابل، نظربایف طی ملاقاتی با رئیس آژانس یهود در زمینه طرحهای اقتصادی (بانکداری و سیستمهای مالی)، و همکاریهای بلندمدت علمی و صنعتی به گفتگو پرداخت. از زمان دیدار نخست وزیر قزاقستان از اسرائیل، پرواز مستقیم میان پایتختهای دو کشور برقرار شده است.^(۴) در راستای اهمیت این کشور برای اسرائیل، مدیر شرکت "مرهاو" ضمن تأکید بر اراده خود و دولت اسرائیل برای حضور در قزاقستان گفته است: «قزاقستان منطقه‌ای زرخیز است که اسرائیل می‌تواند در آینده تا صد میلیون دلار با آن مبادله تجاری داشته باشد».^(۵) به طور کلی شرکتهای اسرائیلی نسبت به رقبای خود در منطقه آسیای مرکزی از برتریهای زیر برخوردارند:

۱- یک میلیون اسرائیلی به زبان مادری خود (روسی یا یکی از زبانهای محلی آسیای مرکزی) صحبت می‌کنند.

۲- مهاجران یهودی که از منطقه آسیای مرکزی به اسرائیل می‌روند، اصولاً با فرهنگ محلیشان شناخته می‌شوند، لذا به هنگام برقراری روابط اقتصادی، از اشتراک زبانی بهره می‌برند، و انواع گویشهای محلی را درک می‌کنند.

1- Freedman. *Op.Cit.*

*- Betashita.

** - Netakhim.

2- Aras. *Op.Cit.*, p.76.

3- Gaztec. *Op.Cit.*

4- Freedman. *Op.Cit.*, p.20.

۵- به نقل از - یومر مالی، ژوئن ۱۹۹۲، کیهان، ۸۸/۲۲.

۳- غالب یهودیان مهاجر از اتحاد جماهیر شوروی، مهندس کشاورزی هستند و در طرح‌های بهسازی کشاورزی منطقه، که از سوی اسرائیل ارائه می‌شود به کار گرفته می‌شوند.

۴- مدیران اسرائیلی در زمینه تهیه طرح‌های تجاری و سرمایه‌گذاری از طریق آژانس‌های توسعه بین‌المللی مثل بانک جهانی، تجربیات زیادی دارند.

۵- اسرائیل از نظر فن‌آوری و ارزیه طرح‌های زیربنایی مورد نیاز منطقه، بسیار پیشرفته است. از جمله موارد شایان ذکر، تولید انرژی خورشیدی بخصوص برای سرزمین‌های نیمه‌لم‌بزرع است.^(۱)

در مجموع، گسترش روابط اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی، بویژه در بخش کشاورزی، آبیاری، مدیریت آب و کشت پنبه، در صدر روابط اسرائیل و آسیای مرکزی قرار دارد. البته بخش کشاورزی در مجموع اقتصاد ملی اسرائیل سهم اندکی دارد. طبق آمار رسمی سال ۱۹۹۵، ۴/۵ درصد تولید ناخالص داخلی و ۳ درصد نیروی کار اسرائیل در این بخش مشغول بوده‌است. به‌رغم این درصدهای پایین، کشاورزی اسرائیل توجه بین‌المللی را به خود جلب کرده‌است. اسرائیل در تلاش است از رهگذر روابط اقتصادی و تجاری، روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را گسترش دهد و بتدریج عمق استراتژیک خود را در میان کشورهای آسیای مرکزی افزایش دهد. این کشور می‌کوشد به جای امید بستن به اعراب، بویژه پس از برگزاری ناموفق چهارمین کنفرانس اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا، بدیل‌های دیگری را در زمینه روابط تجاری و اقتصادی در این منطقه بیابد. همچنین بحران شرق آسیا، که کاهش صادرات اسرائیل به کشورهای حوزه مذکور را در پی داشت، سبب تغییر جهت‌گیری در تجارت خارجی اسرائیل شده، و آن کشور را به سوی جمهوریه‌های آسیای مرکزی متمایل کرده‌است.^(۲)

اهداف و اقدامات سیاسی - امنیتی اسرائیل در آسیای مرکزی

۱- ایفای نقش جدید در چارچوب استراتژی غرب: از سال ۱۹۴۹ تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که اساس روابط بین‌الملل، جنگ سرد میان دو ابرقدرت شرق و غرب بود، دولت اسرائیل این اصل را در سیاست خارجی خود دنبال

۱- Oxford. *Op.Cit.*, pp.1-2.

می‌کرد که نقشی به سود غرب ایفا کند. اسرائیل، غرب را قانع ساخته بود که برای مقابله با توسعه‌طلبی کمونیسم نقشی منحصر به فرد دارد، و جلوگیری از توسعه نفوذ اتحاد جماهیر شوروی در منطقه، راهی جز تقویت دولت اسرائیل ندارد. بدین سبب در طول دوران جنگ سرد (حدود ۴۰ سال)، اسرائیل از پشتیبانی‌های بی‌دریغ سیاسی، امنیتی و اقتصادی غرب، بویژه ایالات متحده آمریکا برخوردار بود.^(۱) با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نقش اسرائیل به عنوان سدکننده توسعه نفوذ کمونیسم از بین رفت. همچنین به دلیل حمله صدام حسین به کویت و آغاز جنگ خلیج فارس، و به دنبال آن ورود مستقیم نیروهای غربی به منطقه، نقش و جایگاه اسرائیل در چارچوب استراتژی غرب مورد تردید قرار گرفت، و مسئله فرآیند صلح اعراب و اسرائیل و لغو تحریم‌های این رژیم از سوی پاره‌ای از کشورهای عربی نیز این مطلب را تقویت کرد. لذا دولت اسرائیل به دنبال ایجاد نقش جدیدی برای خود بود، و در این جهت به دو اقدام دست زد:

اول، بزرگ‌نمایی خطر اصولگرایی اسلامی در منطقه خاورمیانه به عنوان تهدیدی علیه منافع غرب؛ - این سیاست در دهه اخیر بشدت ادامه یافته است. در این خصوص، اسرائیل برای خود نقش اصلی در مقابله با خطر اسلام‌گراها را قائل است، و دولت ایران را به عنوان کانون بنیادگرایی اسلامی در منطقه و جهان معرفی می‌کند.^(۲)

دوم، تقویت لابی یهودی در حکومت ایالات متحده آمریکا برای تأثیرگذاری بر سیاست خارجی این کشور در جهت نیل به اهداف رژیم صهیونیستی.^(۳) شواهد موجود نشانگر آن است که ایفای نقش جدید اسرائیل در چارچوب استراتژی غرب در منطقه، به منظور مقابله با توسعه نفوذ ایران و روسیه در آسیای مرکزی صورت می‌گیرد. مهار روسیه و ایران، هدف مشترک غرب و دولت اسرائیل

۱- م. ک. : استغن زیونز، "کارکردهای استراتژیک کمک آمریکا به اسرائیل". مجله سیاست دفاعی، سال پنجم، شماره ۲، (بهار ۱۳۷۶)، صص ۱۴۰-۱۲۱.

2- C. F. : Shimon Pres. *The New Middle East*, (US : Random House : 1993), p.65.

۳- این مطلب موجب شده است که کشورهای منطقه، جلب حمایتها و کمکهای واشنگتن را در گسترش روابط خود با اسرائیل ببینند. (برای اصلاح بیشتر مراجعه کنید به مقاله آقای محمدعلی مهتدی با عنوان "نقش خاورمیانه عربی در آسیای مرکزی" در فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴).

در منطقه است.^(۱) براساس گزارش محرمانه‌ای که سازمان سیا به همراهی وزارت امور خارجه اسرائیل تدوین کرد، باید درخاورمیانه نقش جدیدی به دولت اسرائیل واگذار شود. این گزارش که با نظارت "ساموئل برگر" مشاور امنیت ملی ایالات متحده آمریکا تدوین شده است، توصیه می‌کند که تلاشهای اسرائیل برای نفوذ در جمهوریهای شوروی سابق هدایت شود، تا اسرائیل در رأس مبارزه بر علیه نفوذ روسیه و ایران قرار گیرد. در این سند، نقش اسرائیل به عنوان "کوبای آمریکا" در منطقه بی‌ثبات آسیای مرکزی و حوزه دریای مازندران خوانده شده^(۲)، و از ترکیه نیز به عنوان هم‌پیمان اصلی اسرائیل برای نفوذ در آسیای مرکزی نام برده شده است.^(۳)

۲- ظهور دوبارهٔ دکترین بن‌گورین (اتحاد با پیرامون)، به منظور محاصره دشمنان در منطقه: توجه اسرائیل به کشورهای آسیای مرکزی در جهت احیا و اعمال دکترین بن‌گورین درباره روابط پیرامونی است. همان‌طور که در آن زمان، هدف از رابطه و پیمان با ترکیه، ایران و اتیوپی، چیزی جز شکستن حلقه اعراب در اطراف اسرائیل نبود، امروز نیز هدف این کشور در تعقیب استراتژیهای پیرامونی و نگاه به ماورای افق، چیزی جز شکستن حلقه کشورهای مخالف نیست. در ژوئن سال ۱۹۹۶، معاون رئیس ستاد ارتش اسرائیل گفت اسرائیل باید تواناییهای ماورای افق خود با دیگران را برای مقابله با تهدیدات ایران و لیبی تقویت کند. در تعقیب استراتژی نگاه به ماورای افق از یک دهه قبل، گرایش راهبردی اسرائیل به آسیای جنوبی نیز گسترش یافته، و با رشد علاقه هندیها به تقویت روابط دوجانبه با دولت یهود در سالهای اخیر، شدت نیز یافته است. برای هند که قصد دارد بازدارندگی کافی را برای مقابله با تواناییهای راهبردی پاکستان و چین فراهم کند، اسرائیل کشور مناسبی برای تحقق این هدف است. اسرائیل نیز امیدوار است که افزایش پیوندهایش با هند، مانند پیوندهایی که آن کشور قبلاً با چین داشته است، موجب

۱- رجینه صادقیان، "سیاست خارجی آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هفتم، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۷۷، ص ۱۲۳.

2- C. J. Zaitra, Moscow, 26 June 1998.

۳- م. ک. محمد رضا ملکی، "روابط ترکیه و اسرائیل و آثار آن بر آسیای مرکزی و قفقاز" فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هفتم، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۷۷، صص ۵۶-۳۹.

جلوگیری از سرازیر شدن تسلیحات و فن آوری هندی به ایران شود.^(۱)

۳- جلوگیری از پیوستن کشورهای مسلمان منطقه آسیای مرکزی به بلوک اسلامی در مقابل اسرائیل در مجامع جهانی و منطقه‌ای: از آنجاکه دولت اسرائیل از زمان تأسیس، همواره از موقعیت بین‌المللی نامناسبی برخوردار بوده و با کمک و تروی آمریکا توانسته از فشارهای بین‌المللی بکاهد، جلوگیری از پیوستن پنج کشور جدید مسلمان به دشمنان اسرائیل در مجامع بین‌المللی، مورد توجه دولتمردان اسرائیل قرار گرفته است.^(۲) دیدارهای رسمی یا سرعرفات، رهبر ساف در سال ۱۹۲۲ از کشورهای آسیای مرکزی و انعقاد قرارداد همکاری با قزاقستان، بیش از پیش موجب نگرانی اسرائیل شد. در پی آن اسحاق شامیر وزیر خارجه وقت اسرائیل، خواستار هشدار آمریکا به قزاقستان و تجدیدنظر این کشور در قرارداد خود با ساف شد.^(۳)

علی‌رغم تمام اقدامات دیپلماتیک فلسطینی، کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی به سوی اسرائیل متمایل شدند^(۴) و همانگونه که قبلاً ذکر شد، تمایل آنها به کسب حمایت‌های غرب، موجب نزدیکی بیشتر این کشورها به اسرائیل گردید.

۴- جلوگیری از انتقال فن آوری هسته‌ای آسیای مرکزی به دشمنان اسرائیل: ترس دولتمردان اسرائیل از دستیابی دشمنان این رژیم در خاورمیانه به سلاحها و فن آوری هسته‌ای موجود در آسیای مرکزی همواره مورد تأکید رهبران حکومت اسرائیل قرار گرفته است. به نوشته روزنامه ایندی پندنت^{*}، در مذاکرات مقدماتی میان نظربایف و ایهود باراک، وزیر خارجه وقت اسرائیل، در سال ۱۹۹۵، اظهار داشته که اسرائیل معتقد است ایران تلاش می‌کند تا کارشناسان اتمی را از جمهوریهای شوروی سابق فراهم آورد، و حتی با عوامل مافیایی در این جمهوریها در حال مذاکره است.^(۵) همچنین بنابه اظهارات محافل غربی، تولید

۱- ملکی، "ترفندهای اسرائیل برای نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز"، پیشین.

2- Menashri, *Op.Cit.*, p.12.

3- Gaztee, *Op.Cit.*

۴- م. ک. ا. ملکی، "ترفندهای اسرائیل برای نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز"، پیشین.

*- Indi Pendent.

۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، لندن (۱۰/۸/۷۴).

اورانیوم غنی شده، که در تهیه سلاحهای هسته‌ای به کار می‌رود، هنوز هم در چهار جمهوری آسیای مرکزی قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان ادامه دارد. علاوه بر آن، این چهار کشور فن‌آوری مدرن و تجهیزات و نیز نیروی متخصص و برجسته را در این زمینه در اختیار دارند. از دید اسرائیل بی‌ثباتی اوضاع نظیر آنچه که در سال ۱۹۹۲ در تاجیکستان رخ داد، خطر انتقال اورانیوم غنی شده و دیگر تجهیزات و فن‌آوری هسته‌ای را به کشورهای همجوار، نظیر ایران افزایش می‌دهد. با این حال، بنابه گزارش همین محافل، موساد و سیا، متخصصان انرژی اتمی دولتهای آسیای مرکزی را به دقت زیر نظر دارند، و تاکنون موفق شده‌اند تعداد زیادی از دانشمندان و متخصصان نادر شوروی سابق را در صنایع نظامی اسرائیل مشغول به کار کنند.^(۱)

۵- حضور در نزدیکی مرزهای شمالی ایران به منظور مقابله با حضور ایران در لبنان: اعلام استقلال جمهوریهای آسیای مرکزی و برقراری سریع روابط سیاسی این کشورها با اسرائیل موجب شد که موقعیت مناسبی برای حضور اسرائیل در مرزهای شمالی ایران، به عنوان کشوری که خواهان نابودی اسرائیل است، فراهم آید. به گزارش روزنامه تهران تایمز^(۲) اسرائیل اخیراً توافقنامه‌ای را با ترکیه به امضا رسانده تا شرایطی را برای جاسوسی از طریق مرزهای یکی از همسایگان علیه جمهوری اسلامی ایران فراهم آورد. در سفر اخیر باراک، نخست‌وزیر اسرائیل به ترکیه نیز آنکارا با درخواست تل‌آویو برای ایجاد سایت شنودی در حاشیه مرز ایران با آذربایجان موافقت کرده، و کار نصب آن نیز به پایان رسیده است.^(۳) اخباری مانند این، بخوبی موقعیت به وجود آمده برای اسرائیل را آشکار می‌نماید. همچنین به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، هفته‌نامه "الفکاح العربی" چاپ لبنان در سال ۱۹۹۵ فاش کرد که اسرائیل با هزینه وزارت جنگ آمریکا، نظامیان جمهوریهای آسیای مرکزی را در داخل فلسطین اشغالی آموزش می‌دهد.^(۴)

به هر صورت، منطقه آسیای مرکزی به دلیل همجواری با مرزهای جمهوری

۱- ملکی، "ترفندهای اسرائیل برای نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز"، پیشین.

۲- همان.

۳- کیهان، ۷۸/۸/۹.

۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۴/۲/۳۱.

اسلاسی ایران از بُعد استراتژیک برای اسرائیل حایز اهمیت است، و به اشکال گوناگون قابلیت بهره‌برداری در جهت اهداف مورد نظر را داراست.

۶- **ترویج تفکرات صهیونیستی:** اسرائیل با به کارگیری اقلیت یهودی ساکن در جمهوریهای آسیای مرکزی^(۱)، که بالغ بر ۲۰۰ هزار نفرند، از آنها به عنوان اهرم نفوذ در منطقه و در جهت ترویج اندیشه‌های صهیونیستی استفاده می‌کند. اسرائیل از طریق این یهودیان تاکنون دهها مرکز انتشاراتی و مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی در آسیای مرکزی تأسیس کرده، که مضامین تبلیغاتی همگی آنها، ترغیب به همدلی و همکاری با رژیم صهیونیستی است. روزنامه فیگارو به نقل از یک مقام اسرائیلی می‌نویسد: «دو هزار معلم اسرائیلی مشغول آموزش یهودیانی هستند که قصد مهاجرت به اسرائیل را دارند؛ و برای یهودیانی که خواهان ادامه زندگی در آسیای مرکزی باشند، معلمان اسرائیلی به آنها کمک می‌کنند تا با کسب مراتب عمومی بالا، مراکز و مناصب حساس و مهمی را که برای دفاع از منافع اسرائیل در منطقه حیاتی است، تصاحب کنند.»^(۲)

در مجموع، تبلیغ افکار صهیونیستی با دو هدف ادامه دارد: اول، جذب یهودین منطقه و تشویق آنان به مهاجرت به اسرائیل در جهت افزایش جمعیت یهودی این کشور، و دوم، توسعه نفوذ یهودیان همفکر با صهیونیستها در منطقه آسیای مرکزی.

۷- **افزایش مشروعیت جهانی و منطقه‌ای با برقراری روابط سیاسی با کشورهای مسلمان منطقه:** به هنگام فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، حکومت اسرائیل هنوز در انزوای نسبی به سر می‌برد، و براساس اعتراف محافل صهیونیستی، در آن زمان عامل و محرک خارج ساختن اسرائیل از انزوای منطقه‌ای همچنان موجود بوده است.^(۳) اعلام استقلال کشورهای آسیای مرکزی فرصت مناسب را برای برقراری روابط سیاسی با کشورهای مسلمان منطقه، و اعلام مشروعیت این کشور فراهم آورد.

به رسمیت شناختن اسرائیل از سوی تعداد بیشتری از کشورهای مسلمان منطقه،

1- Freedman, *Op.Cit.*, p.17.

۲- به نقل از مجله العالم چاپ لندن، کیهان، ۱۶ مرداد ۱۳۷۲.

3- Menashri, *Op.Cit.*, p.10.

عدم مشروعیت رژیم صهیونیستی را نزد کشورهای منطقه کمرنگ ساخته و اسرائیل را به اهداف مورد نظر خود در چارچوب ایده خاورمیانه جدید نزدیک می‌کند.^(۱) به عقیده صاحب نظران، اسرائیل از جنبه دیپلماتیک در آسیای مرکزی تا حد مطلوبی موفق عمل کرده است. در این راستا مبادله هیئتهای سیاسی میان اسرائیل و کشورهای منطقه، و تشکیل انجمنهای مشترک سیاسی قابل ذکر است. شیمون پرز وزیر خارجه وقت اسرائیل یک دیدار سه روزه در سال ۱۹۹۴ از منطقه داشت.^(۲) علاوه بر این رهبران منطقه برای سفر به اسرائیل دعوت شدند که بعضی از این رهبران سفر خود را عملی ساختند. به عنوان مثال، عسگر آقایف، اولین رهبر آسیای مرکزی است که در اوایل سال ۱۹۹۳ از اسرائیل دیدار کرد، و به دنبال آن نیز صفر مرادنیازف از اسرائیل بازدید کرد. اسلام کریماف نیز در سپتامبر ۱۹۹۸ از اسرائیل دیدار کرد.^(۳)

ایهود باراک، رهبر حزب کارگر و نخست وزیر فعلی رژیم اسرائیل ۹ سال قبل (۱۹۹۰) گفته بود که نمی‌توانیم در قبال تحولات آسیای مرکزی بی تفاوت بمانیم. زیرا منافع استراتژیک ما در این منطقه مطرح است.^(۴)

نتیجه

در مجموع، اهداف و اقدامات اسرائیل در منطقه در کوتاه مدت با موفقیت نسبی همراه بوده است. اسرائیل طی کمتر از ده سال که از استقلال جمهوریهای آسیای مرکزی می‌گذرد، با همه این کشورها روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نزدیک برقرار کرده، و در پاسخگویی به نیازهای اولیه این کشورها، موفق بوده است. اسرائیل همچنین از متحدان خود در منطقه و خارج از آن (ترکیه و ایالات متحده آمریکا)، برای پیشبرد اهداف مورد نظر در آسیای مرکزی بهره‌برداری کرده است. آمریکا و اسرائیل با همکاری مشترک در طرحهای اقتصادی منطقه، که معمولاً تأمین مالی این طرحها با آمریکا و تدارک و انتقال فن آوری و دانش فنی با اسرائیل است^(۵)، راه را برای حضور بلندمدت

1- C. F. : Pres. *Op.Cit.*, pp.2-13.

2- Freedman, *Op.Cit.*, p.19.

3- Zaman, Istanbul, 14 April 1998.

4- *Ibid.*

5- Oxford, *Op.Cit.*, p.3.